



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين.

تبریک عرض میکنم میلاد مسعود سیده‌ی زنان عالم و برگزیده‌ی پیامبر خاتم، حضرت زهرا (سلام الله علیها) را. امروز جلسه‌ی ما جلسه‌ی بسیار نورانی و معنوی و شیرینی بود؛ هم شما برادران و خواهران مستمع، هم اجراکنندگان و خوانندگان، حقاً و انصافاً حال معنوی مورد نیاز این روز همه‌ی ما را تأمین کردید. خدا ان شاء الله حفظتان کند، تأییدتان کند. من یک جمله‌ی کوتاه عرض میکنم در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها)، یک جمله هم در مورد مسائل مربوط به مداحی و مداحان، و اشاره‌ای به مسائل روز عرض خواهم کرد.

خداوند متعال دو زن را نمونه قرار داده برای همه‌ی آحاد بشر از زن و مرد: «و ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» و بعدش «و مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»؛ (۲) دو نفر زن هستند که خدای متعال این دو زن را نمونه و الگو برای همه‌ی بشریت قرار داده، نه فقط برای زنها؛ برای زنها و مردها. روایتی از شیعه و سنی از طرق مختلف نقل شده که پیغمبر فرمودند فضیلت زهرای من از آن دو زن، برتر و بالاتر است. (۳) اینکه گفته میشود اینها نمونه هستند، فقط فضیلت نیست - این را توجه داشته باشید - الگو هم هستند، قلّه‌اند؛ ممکن است من و شما به آن قلّه نرسیم و حتماً هم نمیرسیم، اما به سمت آن قلّه باید حرکت کنیم. در همین مدت کوتاه زندگی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بعد از رسول اکرم - دو ماه، سه ماه، به اختلاف روایات - آنچه از این بزرگوار بارز شد، ظاهر شد، همه دیدند، برای همه‌ی بشر، نه فقط برای مسلمانها، میتواند الگو باشد.

اینکه یک زن تنها، یک بانوی جوان، در برابر یک جمعیت عظیم، یک قدرت، یک حکومت، قیام کند، از حق دفاع کند، شجاعت نشان بدهد، منطق او همه‌ی صاحبان منطق را مجاب کند، کار را نیمه‌کاره رها نکند و تا آخرین روزهای زندگی که زنهاى مدینه می‌آیند عیادت این بزرگوار، همان حقایق را، همان مبانی محکم دین را بیان کند، این چیزی است که جز از شخصیت برجسته‌ی ممتاز یگانه‌ای مثل حضرت زهرا (سلام الله علیها) برنمی‌آید. لکن هر کدام از اینها الگو است: قیام برای حق، شجاعت، صراحت، قوت استدلال، ایستادگی. این همان چیزی است که خدای متعال در قرآن فرموده است که «ان تقوموا لله مثنی و قرادی»؛ (۴) اگر دو نفر شدید، برای خدا در مقابل آنچه خلاف امر خدا است بایستید و قیام کنید؛ اگر دو نفر هم نبودید، تک بودید، تنها بودید، باز هم قیام کنید. آن مصداق واقعی این آیه‌ی شریفه، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.

یک روایتی را خوارزمی - که از علمای اهل سنت است - نقل میکند؛ میگوید که «قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا سلمان». حضرت این حرف را به سلمان گفتند - سلمان آن نفر اول است دیگر؛ درجه‌ی یک است - پیغمبر این [حرف] را به نزدیک‌ترین صحابی خودش بیان کردند: حُبُّ فاطمةَ يَنْفَعُ فى مائةٍ مِنَ الْمَوَاطِنِ؛ دوستی فاطمه‌ی من صد جا به دردتان میخورد؛ یعنی صد جا بعد از مرحله‌ی این نشئه‌ی دنیوی؛ ايسرُ تلكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَ الْقَبْرُ؛ (۵) این صد جایی که محبت فاطمه به دردتان میخورد، آسان‌ترینش مرگ و قبر است. خیلی خوب، این حدیث در مورد محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، در نگاه اول، معنای این حدیث این است که اگر شما به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) محبت داشته باشید، این فضیلت متعلق به شما است؛ خوب این درست هم هست؛ یعنی این



معنا ایرادی ندارد. محبت شما به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) همین خصوصیت را دارد که صد جا به دردتان می‌خورد؛ لکن وقتی دقت میکنیم، یک معنای دیگری هم در کنار این معنا وجود دارد و آن، این است که «محبت فاطمه‌ی زهرا به انسان» این فایده را دارد. این در تعبیرات فارسی ما هم معمول است؛ می‌گویند «دوستی فلانی به دردت می‌خورد»؛ یعنی چه؟ یعنی دوستی او با شما؛ خیلی خوب، این مهم است، این سخت است. آن معنای اولی آسان است؛ هر کسی آن خورشید را ببیند، آن ماه فروزان را ببیند، آن ستاره‌های درخشان را ببیند، آن فضیلت‌ها را ببیند، محبت پیدا میکند؛ اما این دومی که او به شما محبت پیدا کند، آن بخش مشکل است.

آنچه مناسب مجلس مداحان است، یک بخشی از همین حرف است: فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) به کسی محبت پیدا میکند که همان خصوصیات را در زندگی الگو قرار بدهد که یکی از آن خصوصیات، عبارت است از «تبیین». حضرت زهرا (سلام الله علیها) از آن لحظه‌ی اول، شروع به تبیین کرد، حقایق را به رخ همه‌ی مستمعین و همه‌ی کسانی که نمیدانستند یا میدانستند و تغافل میکردند، یا میدانستند و از یادشان رفته بود، کشید. «تبیین» مهم‌ترین کار فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.

«مداحی» پیروی از فاطمه‌ی زهرا است در تبیین. من اینجا در حاشیه بگویم که امروز برنامه‌هایی که این آقایان اجرا کردند، تبیین بود؛ یعنی در کنار ابراز عاطفه و ابراز عشق و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) حقایق را تبیین کردند، حقایق روز را بیان کردند. فاطمه‌ی زهرا هم حقایق روز را بیان کرد؛ مسائلی را که همان روز پیش آمده بود و مسائل روز بود بیان کرد. تبیین مسائل روز یک وظیفه‌ی بسیار مهم است. لذاست در روایت پیغمبر وارد شده است: *إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُجَاهِدُ بَسِيفِهِ وَ لِسَانِهِ*؛ (۶) مؤمن جهاد میکند، گاهی با جان خودش، [یعنی] میرود جبهه، گاهی با شمشیر خودش، [یعنی] از سلاح استفاده میکند، و گاهی با زبان خودش. جهاد با زبان یکی از انواع مهم جهاد است و گاهی اوقات از جهاد با جان هم تأثیرش بیشتر است، اهمیتش بیشتر است. شما برادران مداح که در این جمع هستید و همه‌ی مداحان سرتاسر کشور مخاطب این سخن هستید: جهاد با زبان.

خب، ابزار این جهاد در اختیار شما است؛ شما یک هنر ترکیبی دارید. مداحی یک هنر ترکیبی است؛ هم قالب، هم محتوا، هر دو هنرند؛ هم لفظ هنر است، هم معنا هنر است. یعنی اینجا چندین هنر با یکدیگر همراه شده‌اند و مداحی را به وجود آورده‌اند؛ میخواهم قدر مداحی را بدانیم؛ هم ما بدانیم، هم خودشان بدانند. مداحی ترکیب چندین هنر است؛ هنر صدا، هنر آهنگ، هنر شعر، هنر مدیریت جمعیت – که خودش هنر بزرگی است – هنر چهره‌به‌چهره شدن با مردم. شما در فضای مجازی با مردم چهره‌به‌چهره نمی‌شوید اما در مجلس واقعی، در عالم واقع شما با مردم حرف می‌زنید، چهره‌به‌چهره می‌شوید؛ خود این هم یک هنر مهم است. بنابراین مداحی یک رسانه‌ی تمام‌عیار است؛ چون یک رسانه است، پس میتواند ابزار تبیین باشد؛ ابزار مهم تبیین.

ما امروز به تبیین نیاز داریم. امروز، شبهه‌افکنی یکی از کارهای اساسی دشمن است. برنامه‌ریزی میکنند، حالا یک مقداری در خبرهای آشکار هست که شما هم می‌بینید، یک مقداری اش هم در خبرهای آشکار نیست که ما اطلاع داریم. برنامه‌ریزی میکنند و پول خرج میکنند برای اینکه ذهنیتها را منحرف کنند از حقیقت. چه کسی باید جواب بدهد؟ چه کسی بایستی این خط کج را مستقیم کند؟ چه کسی بایستی تبیین کند؟ شما جزو کسانی هستید که میتوانید این کار بزرگ را انجام بدهید.

اگر این حرکت مداحی شما آگاهی‌بخش باشد – اول آگاهی – بعد امیدآفرین باشد، [یعنی] مایوس‌کننده نباشد، و هم حرکت‌دهنده باشد، آن وقت یک کار اساسی و بزرگ را شما انجام داده‌اید که با بسیاری از ابزارهای سخن گفتن و تبلیغ کردن، آن مقصود حاصل نمیشود. میتوانید مبارزه کنید با هراس‌افکنی دشمن – یکی از کارهای مهم دشمن،



ترساندن است، هراس افکنی است - میتوانید مقابله کنید با اختلاف افکنی دشمن، میتوانید مقابله کنید با یأس آفرینی دشمن. ببینید! اینهایی که عرض میکنم، هر کدام یک عنصر اساسی است؛ احیای جامعه و همینهایی که شما اینجا گفتید که «ما از پا نمی‌نشینیم»، «ما پرچم اسلام را روی جولان به حرکت درمی‌آوریم»، «ما از مرقد مطهر پاک شام دفاع میکنیم» و از این قبیل، متوقف به اینها است؛ یعنی بایستی با هراس افکنی دشمن مبارزه کرد، با اختلاف افکنی دشمن مبارزه کرد، با یأس آفرینی دشمن مقابله کرد. ابزار عمده‌ی دشمن، ترساندن و هراس افکندن است. شما قوی هستید، او تبلیغ میکند ضعف شما را برای اینکه شما را بترساند؛ دست شما پُر است، او تبلیغ میکند که دست شما خالی است برای اینکه شما را مأیوس کند. به این نکات باید توجه داشته باشید.

در صدر اسلام، در جنگ احد، مسلمانها ضربه خوردند؛ شخصیتی مثل حمزه سیدالشهدا به شهادت رسید؛ شخصیتی مثل علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امیرالمؤمنین، سرتاپا مجروح شد؛ به خود شخص شخیص پیغمبر اکرم ضربه وارد شد؛ تعدادی شهید شدند؛ [وقتی] برگشتند مدینه، منافقین دیدند زمینه‌ی خوبی است برای وسوسه کردن، برای بهره‌برداری تبلیغاتی از این وضع، شروع کردند وسوسه کردن: *إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ*؛ (۷) [گفتند] «همه علیه شما دست به دست هم داده‌اند، بترسید»؛ بنا کردند اینها را بیان کردن. خدای متعال به خاطر این قضیه وحی نازل کرد؛ آیه‌ی قرآن [میفرماید]: *«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ»*؛ (۸) این شیطان است که دوستان خودش را دارد میترساند، از آنها نترسید. مشت محکم قرآن بر دهان منافقین وسوسه‌کننده فرود آمد. امروز این *«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ»* را شما باید بگویید؛ اصحاب ادب و شعر و فکر بنشینند و فکر کنند؛ منطق قابل قبول و دلنشین برای مخاطب درست کنند در لباس شعر، با آهنگ مداحی، و در جایگاه معتبر مداحی‌گری و ستایشگری اهل بیت، آن را به مردم منتقل کنند. *«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»*.

امروز سرخط خبرهای منطقه‌ی ما مسائل سوریه است. من نمیخواهم تحلیل بکنم. دیگران تحلیل کنند. من در این زمینه حرف دارم؛ چند نکته:

نکته‌ی اول. یک گروه اغتشاشگر با کمک دولتهای خارجی و با برنامه‌ریزی آنها و با نقشه‌ی آنها توانستند از ضعفهای درونی کشور سوریه استفاده کنند و کشور را به بی‌ثباتی بکشانند، به هرج و مرج بکشانند. من حدود دو سه هفته قبل در یک سخنرانی همین‌جا گفتم (۹) که برنامه‌ی آمریکا برای تسلط بر کشورها یکی از دو چیز است: یا ایجاد یک حکومت فردی استبدادی، که بروند با او بسازند، حرف بزنند، منافع کشور را بین هم تقسیم کنند؛ اگر این نشد، هرج و مرج، اغتشاش. در سوریه به اغتشاش منتهی شدند؛ هرج و مرج به وجود آوردند. حالا آمریکایی‌ها، رژیم صهیونیستی و کسانی که با اینها همراهند، به خیال خودشان احساس پیروزی میکنند؛ اینها احساس میکنند به پیروزی رسیدند و [لذا] به گزافه‌گویی افتاده‌اند. خاصیت اهل شیطان هم همین است که وقتی احساس میکنند پیروز شدند، اختیار زبانشان از دستشان خارج میشود، گزافه میگویند، حرف مفت میزنند. اینها امروز به حرف مفت افتاده‌اند. یک عنصر آمریکایی از مسئولین آمریکایی، جزو گزافه‌گویی‌هایش یکی این است که میگوید: «هر کسی در ایران اغتشاش کند، ما کمکش میکنیم»؛ مجموع حرفش این است؛ به این تصریح نمیکند اما حرفش این است؛ در لقافه بیان میکند اما کاملاً روشن است که این را دارد میگوید. احمقها بوی کباب شنیده‌اند! نکته‌ی اول اینکه ملت ایران هر کسی را که مزدوری آمریکا را در این زمینه قبول کند، در زیر گامهای محکم خود لگدمال خواهد کرد.

نکته‌ی دوم. عنصر صهیونی تظاهر به پیروزی میکند، چهره‌ی آدمهای پیروز را به خودش میگیرد و می‌آید حرفهای گزاف میزند و رجزخوانی میکند. بدبخت! شما کجا پیروز شدید؟ در غزه پیروز شدید؟ آدم، چهل و چند هزار نفر زن و بچه و کودک را با بمب بکشد و نتواند یک دانه از مقاصدی را که اول اعلام کرده، تحقق ببخشد، پیروز است؟ شما حماس را نابود کردید؟ شما اسرای خودتان را در غزه آزاد کردید؟ شما گفتید میخواهید حزب‌الله را از بین ببرید،



شخصی مثل سیدحسن نصرالله با آن عظمت را شهید کردید، توانستید حزب الله را از بین ببرید؟ حزب الله زنده است، مقاومت فلسطین زنده است، حماس زنده است، جهاد زنده است؛ شما پیروز نیستید، شما شکست خورده‌اید. بله، در سوریه جلوی شما باز بود، یک سرباز با یک تفنگ هم جلوی شما نبود و توانستید چند کیلومتر با تانک و ابزارهای نظامی جلو بیاید، [اما] این پیروزی نیست؛ مانعی در مقابل شما نبود، این پیروزی نیست. البته جوانهای غیور شجاع سوری هم بلاشک شما را از اینجا بیرون خواهند کرد.

نکته‌ی سوّم. در تبلیغات گوناگون – [چون] با جمهوری اسلامی طرفند دیگر – مرتب میگویند که جمهوری اسلامی، نیروهای نیابتی خودش را در منطقه از دست داد؛ این هم یک غلط دیگر. جمهوری اسلامی نیروی نیابتی ندارد؛ یمن میجنگد، چون باایمان است؛ حزب الله میجنگد، [چون] قدرت ایمانی، او را به میدان میکشاند؛ حماس و جهاد میجنگند، چون عقیده‌شان آنها را به این کار وادار میکند. اینها نیابت از ما ندارند؛ ما اگر یک روزی بخواهیم اقدام بکنیم، احتیاج به نیروی نیابتی هم نداریم. مردان شرافتمند باایمانی در یمن، در عراق، در لبنان، در فلسطین و ان شاء الله در آینده‌ی نزدیک در سوریه، حضور دارند و حضور خواهند داشت، اینها دارند برای خودشان با ظلم، با جنایت مبارزه میکنند، با رژیم منحوس تحمیلی صهیونیستی مبارزه میکنند؛ ما هم مبارزه میکنیم و ان شاء الله این رژیم را از منطقه ازاله خواهیم کرد.

آنچه بنده عرض میکنم، بیان سیاسی نیست؛ حقایقی است که [ما] از نزدیک این حقایق را لمس کرده‌ایم. این را خوب است که شما بدانید: حزب الله لبنان یک مجموعه‌ی شرافتمند قوی محکم پولادینی است که از دل اغتشاشات لبنان در دهه‌ی ۶۰ بروز کرد و سر برآورد. آنجا تمام منطقه را به هم ریخته بودند؛ با جنگهای داخلی، اغتشاشات، ناامنی؛ در وسط ناامنی و از دل تهدید، فرصت حزب الله به وجود آمد و سر برآورد. قبل از شهید عزیزمان سیدحسن، مرحوم سیدعباس [موسوی] هم بود، دیگرانی هم بودند، آنها هم شهید شدند؛ شهادت آنها حزب الله را ضعیف نکرد، اگر نگوییم تقویت کرد. امروز هم همین جور است، فردا هم همین جور خواهد بود. از دل تهدیدها، فرصتها سر برمی‌آورند، اگر چنانچه ما متوجه باشیم، احساس مسئولیت کنیم، دنبال کنیم، آنچه را در دل ما است و بر زبان ما است، در هنگام عمل نشان بدهیم.

و من پیش‌بینی میکنم این حادثه، [یعنی] سر برآوردن یک مجموعه‌ی شرافتمند قوی در سوریه هم اتفاق خواهد افتاد. جوان سوری چیزی برای از دست دادن ندارد؛ دانشگاهش ناامن است، مدرسه‌اش ناامن است، خانه‌اش ناامن است، خیابانش ناامن است، زندگی‌اش ناامن است؛ چه کار کند؟ بایستی با قوت اراده در مقابل آن کسانی که این ناامنی را طراحي کرده‌اند و آن کسانی که اجرا کرده‌اند، بایستند و ان شاء الله بر آنها فائق خواهد آمد. به لطف الهی، فردای منطقه از امروز منطقه بهتر خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، تعدادی از ذاکرین به مدیحه‌سرایی و بیان فضائل و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) پرداختند.

(۲) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیات ۱۱ و ۱۲؛ «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده، ... و مریم دخت عمران را ...»

(۳) از جمله، ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۳؛ سیوطی. درالمنثور، ج ۲، ص ۲۳

(۴) سوره‌ی سبأ، بخشی از آیه‌ی ۴۶

(۵) مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۱، ص ۱۰۰



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

۶) تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۳۸۳

۷) سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۷۳

۸) سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۱۷۵

۹) بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور (۱۴۰۳/۹/۵)